



مقالات اقتصادی



اقتصادی :
جلب و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی ، چرا و چگونه ؟ چرا ISO 9000 .



تکنولوژی :
تکنولوژی‌های مدیریت پسمانده برای توسعه صنعتی پایدار . پرواز فیل‌ها - هواپیماهایی با ۱۰۰۰ مسافر .



آماري :
تغییرات پایه پولی و نقدینگی در سال ۱۳۷۲ . کالاهای صنعتی بیشترین و فروش و صنایع دستی کمترین رشد صادرات را در سال ۷۱ داشته‌اند . طی سال گذشته ۱۹۵ میلیارد ریال کالا از گمرک کشور صادر شده است . شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها در ایران در اسفندماه ۱۳۷۱ ، آمار درمانگاه‌ها ، مراکز بهداشتی و درمانی و آزمایشگاهها در سال ۱۳۶۷ . آمار تعمیرگاه‌های وسایل نقلیه موتوری در سال ۱۳۶۸ . آمار معادن کشور در سال ۱۳۷۰ . افزایش ذخایر خارجی تعدادی از کشورهای در حال توسعه ، معلولیت در بین جمعیت استان گیلان .

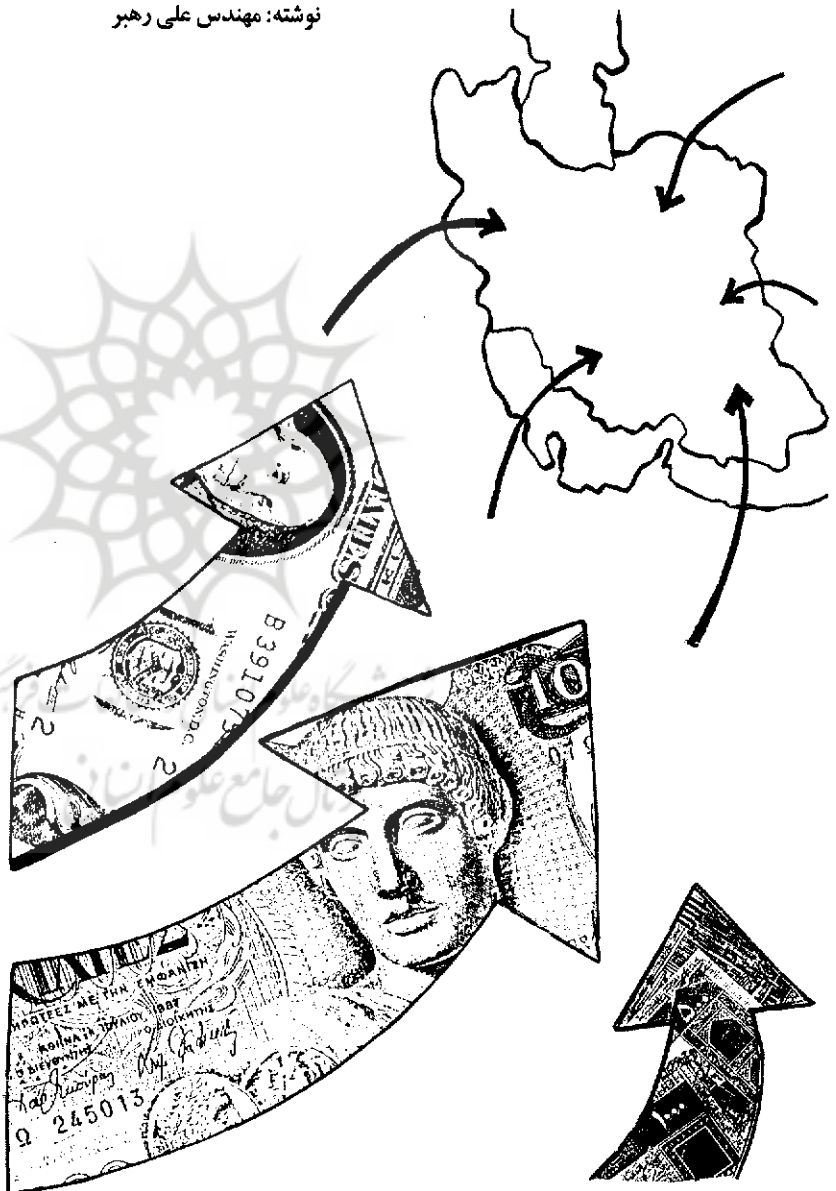
یک مقاله تحقیقی درباره:

جلب و حمایت سرمایه گذاری خارجی، چرا و چگونه؟

نوشته: مهندس علی رهبر

شاید یکی از جنجال برانگیزترین مباحث اقتصادی دنیا، موضوع سرمایه گذاریهای اتباع بیگانه اعم از شخصیت های حقیقی یا حقوقی در کشورها، بویژه جهان سوم است. از آنجا که شواهد تاریخی، اغلب نشان دهنده فعل و انفعالات ناسالم، غرض آلود و همراه موازنه منفی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی برای کشورهای میزبان بوده، لذا در محافل روشنفکری و نزد علمای اقتصاد کشورهای جهان سوم موضوع سرمایه گذاری خارجی همراه شک و ناپاوریهای عمیق مورد تحلیل واقع می شود. پیشرفتهای اقتصادی دودهمه اخیر برخی از کشورهای شرق دور و آمریکای لاتین که عمدتاً "به تبع سرمایه گذاریهای خارجی و جلب و جذب همکاریها و سرمایه های بین المللی حادث شده است برای باور منفی اثر نموده و بسیاری از کشورها را در جلب و جذب سرمایه گذاریهای خارجی راغب نموده است. در رابطه با سرمایه گذاریهای خارجی در کشور ما، هر چند که از دیرباز مسأله با واگذاری امتیازات انحصاری و خاصی نظیر امتیاز تنباکو و یا مقولاتی از قبیل کاپیتولاسیون و با مداخله دولتها در سایه سرمایه گذاری خارجی چهارمای منفی و زیانبار از خود ساخته، بتحوی که تبلور این اندیشه منفی بصورت تحریم مطلق هرگونه فعالیت اقتصادی خارجیان از اصل هشتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران متبلور گشته است.

رویدادهای انقلاب اسلامی کشور عمدتاً با هرگونه برخورد و رابطه خارجی یادیده تردید



نگریسته و بصورتی کاملا " طبیعی کلیه روابط سرمایه‌های با خارج اعم از مثبت یا منفی، مفید یا ناسالم دچار تلاطم و ناپایداری گردیدند. بنحوی که حداعلای این نگرش احتیاط‌آمیز را در فرازهای اصل هشتادویکم قانون اساسی کشور جمهوری اسلامی ایران بصورت زیر می‌توانیم مشاهده کنیم.

" اصل هشتادویکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

"دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقا ممنوع است."

در این مقاله، قبل از اینکه به مباحث حقوقی و مشکلات متعددی که حاکمیت چنین برداشتی از فعالیت شخصیت‌های حقیقی و با حقوقی خارجی در کشور ایجاد کرده است بپردازیم به تحلیلی کارشناسانه از ماهیت، اثرات و الزامات حاکم بر مناسبات جلب و جذب سرمایه‌های خارجی است می‌نشینیم.

سرمایه‌گذاری خارجی،

استقراض، تأمین منابع مالی

خارجی و تفاوتهای ماهوی آنها

همیشه در تشکیل سرمایه در هر کشور یکی از تنگناهای مهم و اساسی تأمین منابع مالی، بویژه ارز خارجی برای کشورهای جهان سوم است. لذا بصورت متعارف برای ایجاد زمینه‌های مناسب کار، تولید، صادرات تأمین نیاز بازارهای داخلی یکی از عناصر مهم و حساس تأمین منابع مالی کافی خواهد بود. از آنجا که زمینه تأمین داخلی آن در کشورهای جهان سوم محدود است، منابع خارجی تأمین کننده پول مورد توجه بوده و به روشهای زیردر تأمین این منابع برای تشکیل سرمایه اقدام می‌گردد.

استقراض کوتاه مدت

(بیوزانس، فاینانس) این نوع از استقراضها

که دارای سررسیدهای کوتاه مدت بوده و معمولا " بازارهای پولی و مالی کشورهای صنعتی برای حمایت از فروش تولیدات کشور خود آنرا تأمین یا تضمین می‌کنند از بدترین نوع استقراض بویژه برای حجم‌های زیاد بحساب می‌آید. زیرا زمان بازپرداخت این نوع از استقراضها بسیار کوتاه مدت بوده و معمولا " حتی در صورت تبدیل آنها به سرمایه تولیدی فرصت کافی برای به گردش درآمدن چرخه تولید همان سرمایه وجود ندارد و لذا کشور متعهد مکلف است از سایر منابع مالی خود برای تأمین بازپرداخت وام اقدام کند. لذا در کوتاه مدت منابع مالی کشور بشدت تحت تنگنا و فشار قرار می‌گیرد، معمولا " هزینه‌های مالی این نوع از استقراضها سنگین بوده و تأمین کننده این منابع نگران به ثمرنشدن نتایج هزینه نبوده و صرفا " تضمین‌های کافی برای برگشت اصل و فرع را از طریق دولت‌ها مطالبه مینماید. در این روند معاملات بین‌المللی هدف اصلی کشورها منبع واگذارنده فروش هرچه بیشتر و صادرات تولیدات داخلی است. در حقیقت این روند شیوه حمایت از صادرات است که کشورهای صادرکننده به آن عمل می‌کنند.

استقراض دراز مدت

یکی از شیوه‌های مهم سرمایه‌گذاری و تشکیل سرمایه در کشورهای جهان سوم را تشکیل می‌دهد. کشورهایی نظیر هندوستان از این سیستم کسری موازنه پرداخت ارزی موفق شده‌اند تا اندازه زیادی بهره‌مند شوند. در این شیوه کشور وام‌خواه یا مؤسسات اقتصادی و مالی این کشورها موفق به تأمین منابع مالی با هزینه نسبتا " کم (بهرمسالانه کم) و اقساط بازپرداخت طولانی مدت می‌گردند. در این شیوه از سرمایه‌گذاران به علت وجود زمان کافی، در صورتی که سیستم مدیریت بازارهای پولی و مالی کشورهای وام‌خواه آگاهانه عمل نمایند، می‌توانند وامها را به سرمایه‌های تولیدی مفید

تبدیل کنند که خود این امکانات تولیدی در زمان بازپرداخت قادر به تأمین اصل و فرع وامها باشند.

بدیهی است که انواع این نوع وامها اگر غیرمشروط و برنامه‌ریزی شده بوده و مورد استفاده مستقیم سرمایه‌گذاری تولیدی قرارگیرد می‌تواند در بسیاری از موارد تأمین کننده بسیار خوبی برای منابع مالی کشور بحساب آید. نکته اساسی در اخذ این نوع وامها اینست که وام دهنده در این نوع تأمین مالی همچنان نگران برگشت اصل و فرع وام در سررسیدهای مربوطه است و چندان علاقه و رغبتی به نتایج حاصل و نحوه هزینه نمودن وام ندارد.

استقراضها یا وامهای تهاتری

مانند تهاتر و بای بک By Back

این نوع از استقراضها معمولا " در قبالات معاملات جنسی و غیرتقدی اتفاق می‌افتد مانند دادن مواد اولیه برای تأمین هزینه‌های واردات سنوات آتی، و یا واگذاری ماشین آلات و مواد اولیه برای تولید یک کالای بخصوص و اخذ بخشی از کالاهای ساخته شده بعنوان قیمت و هزینه‌های فروشنده. بطور مثال ممکن است یک کارخانه یخچال‌سازی خارجی با شرکت داخلی قراردادی امضا کند که یک خط تولید یخچال در کشور میزبان احداث نماید و یا تغییر و تبدیل لازم در خط تولید موجود کشور میزبان ایجاد کند و بخشی از مواد اولیه و قطعات یخچال مورد نظر را بدون انتقال ارز و دریافت بها تأمین کند. در مقابل حجم معینی از کالای ساخته شده از همان نوع یا انواع دیگر را بعنوان بها و سایر هزینه‌ها دریافت نموده و از کشور میزبان خارج نماید.

در تحلیل این نوع از فعالیت‌های اقتصادی مسائل زیر را می‌توان مطرح نمود:

- وام دهنده سیاست اساسی خود را بر مبنای سودبری مقطعی قرار می‌دهد. او می‌خواهد در کوتاه مدت زمینه فروش خط تولید یا قطعات

سرمایه‌گذاری یا مشارکت مستقیم خارجی

و کالاهای نیمه ساخته خود را فراهم کند و در مقابل بهای آن کالای ساخته شده و قابل فروش از تولیدکننده اخذ کند. لذا نگران موفقیت تولیدکننده در درازمدت نیست.

وام دهنده بهیچوجه نگران قیمت تمام شده کالا از طرف کشور میزبان نیست. لذا سعی در ایجاد و استقرار نظام مدیریتی قابل و کارآ ندارد.

رابطه وام دهنده و وام گیرنده صرفاً "در محدوده محتویات قرارداد محدود بوده و مسائل جنسی و مؤثر در تولید نظیر تکنولوژی، مهارت فنی، تربیت نیروی انسانی، ایجاد فضای خلاقیت و ابتکار، دیدگاههای اقتصادی، بازاریابی بین‌المللی و امثالهم را شامل نمی‌شود.

جلب سرمایه‌های پراکنده

بین‌المللی

این نوع از تأمین سرمایه، عمدتاً "از طریق کشورهای صنعتی جهان انجام می‌پذیرد. بدین معنی که با فروش سهام شرکت‌های داخلی در بورس‌ها و بازارهای بین‌المللی، تضمین حداقل سود سهام، ایجاد بانکه‌ها در سطح و شعبات بین‌المللی و جذب سپرده‌های مدت دار که قاعدتاً "متکی بر اعتماد سرمایه‌گذاران ساینر کشورها می‌باشد سرمایه‌های انبوهی در بازارهای مالی جهان گردآوری و جابجا می‌شود. طبعاً" این نوع از فعالیت‌های جلب سرمایه‌های خارجی اتکالی کامل به تجربه و شناختی طولانی و زمینه‌سازی‌های بسیار در جهت جلب اعتماد کامل سرمایه‌گذاران خارجی دارد. روند سرمایه‌گذاری سرمایه‌داران منفرد جهان سوم و کشورهای نفتی در کشورهای صنعتی عمدتاً "از این طریق انجام می‌پذیرد. لذا معمولاً" تضمین‌های موجود برای این نوع سرمایه‌ها صرفاً "بر مبنای اعتبار مؤسسات پولی و مالی و بانکی کشورهای صنعتی بوده و دولت‌ها در رابطه با این بازارها حداقل مسئولیت را عهده دار می‌باشند.

می‌کنند.

در مقابل انگیزه‌هایی نیز برای کشور میزبان وجود دارد که در این معامله بین‌المللی باعث علاقمندی به جلب سرمایه‌های خارجی می‌شود. اهم مطلوبیت‌های جذب سرمایه‌های خارجی را در موارد زیر می‌توان خلاصه کرد:

— ایجاد زمینه‌های جدید سرمایه‌گذاری علاوه بر پتانسیل‌های موجود و جاری داخل کشور.

— ایجاد اشتغال جدید

— بهره‌برداری از منابع طبیعی بالقوه و راکد
— جلوگیری از ضرر و زیان اتلاف منابع در حال استهلاک (مثل گازهای در حال سوخت در جنوب کشور و بهره‌برداری از منابع دریایی و شیلات)

— دستیابی به تکنولوژی جدید و پیشرفتهای تکنولوژیکی متداول (انتقال تکنولوژی)
— دستیابی به نیروها و مهارت‌های نیروی انسانی کارآمد.

— دستیابی به توانهای مدیریتی امروز
— تأمین بخشی از نیازهای داخلی
— افزایش راندمان و بهبود استانداردهای کیفیت و تولید

— مشارکت در بازارهای بین‌المللی خارج از دسترس و ارتقاء امر صادرات با ارزش افزوده بالا

— بهره‌برداری از اعتبار بین‌المللی بصورت مارک و یا سابقه خوب تولید و اعتماد مصرف‌کنندگان بین‌المللی

— بهره‌برداری از اعتبارات بین‌المللی در بازار پول و سرمایه بجهت معتبر بودن شریک خارجی

— ایجاد روند گسترش آموزش نیروی انسانی و توسعه طراحی و تحقیق

— برخورداری از حمایت و تضمین قیمت‌ها در فروش و بازار بین‌المللی و جلوگیری از رقابت‌ها و دمپینگ رقبای برتر بین‌المللی.

در این نوع فعالیت اقتصادی، صاحب سرمایه خارجی به انگیزه جاذبه‌های مختلفی که برایش مطرح می‌شود حاضر می‌گردد که با پذیرش ریسک سود و زیان و یا حتی اتلاف سرمایه ناشی از سود و زیان بخشی یا همه منابع مالی و سایر احتیاجات یک طرح سرمایه‌گذاری را تقبل نماید و در دراز مدت در نوعی از فعالیت تولیدی کشور میزبان مشارکت نماید. در این رابطه انگیزه‌هایی که برای سرمایه‌گذار خارجی مطرح است اختصاراً " بشرح زیر می‌باشد.

— در دسترس داشتن منابع پولی و مالی ارزان و علاقمندی به ایجاد بهره در شرایط تضمین شده.

— دسترسی به منابع اولیه ارزان در مقیاس بین‌المللی و در نتیجه امکان تولید با هزینه‌های کمتر

— دسترسی به منابع نیروی انسانی ماهر و با ارزان برای تولید کالا

— دسترسی انحصاری به بازارهای مصرف کشور میزبان

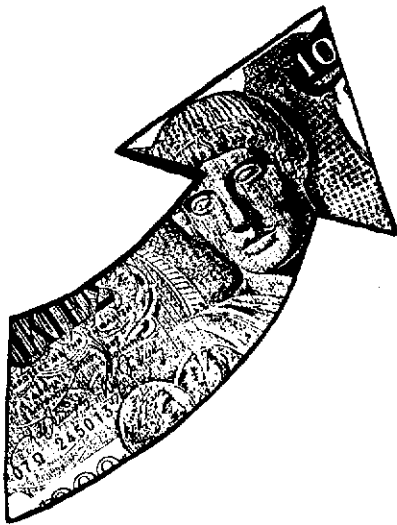
— دسترسی انحصاری به منابع اولیه ارزشمند و استقرار انحصارات بین‌المللی

— کاهش هزینه‌های حمل و نقل برای تأمین مواد اولیه و امکان تأمین کالای ساخته شده برای بازارهای آماده منطقه با کاهش هزینه تولید و توزیع

— فرار از شرایط سخت مالیاتی، قوانین تأمین اجتماعی، مسائل کارگری، هزینه‌های بالای محیط زیست در کشورهای صنعتی و دستیابی به شرایط سهل‌تر و هزینه‌های کمتر در این زمینه‌ها.

— دسترسی به امکانات زیربنایی ارزان‌تر، بخشودگی‌های مالیاتی و تسهیلات اداری و زیربنایی در کشور میزبان

— دسترسی به شرایط و حمایت‌های ویژه که بعضی از کشورهای میزبان برای جلب سرمایه تضمین



اگر با کل فرایند تشکیل سرمایه همان زیر بخش در دوره‌های مورد گزارش مقایسه گردد کاملاً تعیین کننده و شاخص خواهد بود.

در هر حال ضمن بحث متوجه شدیم که سرمایه‌گذاری خارجی در یک کشور یک معالسه و طرفه است. هریک از طرفین از سرمایه‌گذاری را مطرح می‌کنند که این انتظارات باید دقیقاً بررسی و موشکافی شود. در شرایط حاضر آنچه که بعنوان انتظارات خارجی‌ها برای سرمایه‌گذاری در کشور مطرح است را می‌توان به دو بخش کاملاً متمایز دسته‌بندی کرد و برای هر بخش از این انتظارات به قضاوت نشست و موضع ملی‌رادر رابطه با این انتظارات مورد تحلیل قرارداد.

الف - انتظاراتی که جزء نرم‌ها و معیارهای جاری بین‌المللی بوده و اصلاً نمی‌تواند بعنوان امتیاز مطرح شود

شاید در حال حاضر بخش عمده‌ای از انتظاراتی که علاقمندان سرمایه‌گذاری در کشورهای خارج مطرح می‌کنند و کارشناسان در مورد عملی بودن واگذاری این امتیازات به بحث می‌نشینند. در عرف بین‌المللی اصلاً امتیاز نیست. بلکه

دارد برای جلوگیری از اطاله مقال صرفاً به این نکات ظریف در باب سرمایه‌گذاریهای خارجی که اغلب برداشتهای غلطی را عنوان می‌کنند می‌پردازیم و در ادامه عمدتاً به بحث در مورد انتظارات متقابل سرمایه‌گذار خارجی و کشور میزبان برمی‌گردیم.

در اغلب بررسی‌ها و استدلال‌های مربوط به سرمایه‌گذاریهای خارجی دو نکته بصورت انحرافی مطرح می‌شود. اول حجم قلیل سرمایه‌گذاریهای خارجی در کشورهای جهان سوم که معمولاً مورد اشاره قرار می‌گیرد و بی‌آمد آن ناچیز بودن اثرات آن عنوان می‌گردد. مثلاً اغلب دیده شده که ادعا می‌شود با همه هیاهوی سرمایه‌گذاریهای خارج در قبال از انقلاب در کشور. کل سرمایه‌گذاری خارجی فقط ۷۰۰ میلیون دلار در قریب به یکصد و هشتاد شرکت مختلط ایرانی و خارجی بوده است. در این آمار چند نکته ظریف وجود دارد که اولاً در زمان تشکیل سرمایه یعنی سالهای بعد از سی و قبل از ۵۷ قدرت خرید و تشکیل سرمایه ۷۰۰ میلیون دلار بسیار سنگین‌تر از زمان حاضر است. اگر در شرایط حاضر با این مبلغ حرکت سرمایه‌گذاری سنگینی متصور نیست. باید بخاطر بی‌آوریم که در آن سالها فقط با قریب به ۲۵۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری ذوب آهن اصفهان احداث شده است. ثانیاً این مبلغ سرمایه اسمی و ثبت شده و دفتری مستقیم منتقل شده را مطرح می‌کند. در حالیکه حجم عظیمی از اعتبارات ارزی و انتقال تکنولوژی، مدیریت، تنظیم بازار و مهارت‌های فنی و ده‌ها نکته دیگر در این عدد مطلق وجود دارد که نه امضاء شده و نه بسادگی قابل ارزیابی است.

نکته دوم اینکه گرچه حجم سرمایه‌گذاری مذکور در مقایسه با کل سرمایه‌گذاریهای گزارش شده رسمی کشور ناچیز است ولی باید توجه کنیم که کل تشکیل سرمایه کشور طیف وسیعی از فعالیت‌های تولید خدمات و کالا را پوشش می‌دهد. در حالیکه معمولاً سرمایه‌گذاریهای خارجی در چند زیربخش محدودی از تولید کالا متمرکز است و حجم آن

پیش نیازها و انتظارات متقابل طرفین یک همکاری بین‌المللی

همانگونه که در بخشهای نخست این مقاله متذکر شدیم جلب و جذب سرمایه‌گذاران و همکاریهای خارجی بمنظور شروع فعالیت‌های تولیدی در یک کشور اگر برپایه مبانی درستی استوار گردد و بصورتی صحیح شروع شود. برای طرفین متضمن منافع متعددی است که در مجموع، هم برای سرمایه‌گذار خارجی و هم کشور میزبان پی‌آمدهای اقتصادی / اجتماعی / صنعتی بسیار مفید و قابل توجهی را بدنبال دارد. بعبارتی بهتر در این شق آخر، کشور میزبان اگر بتواند آگاهانه و برنامه‌ریزی شده بهتر مناسبی برای جلب و جذب سرمایه خارجی فراهم کند، در درازمدت نه تنها از فواید دسترسی منابع پولی و مالی فراوانی بهره‌مند می‌شود. بلکه تضمین و تعهدی هم برای عملکرد درست سرمایه‌گذار و این تعهد صرفاً متوجه سرمایه‌گذار خارجی است. بنابراین سرمایه‌گذار خارجی، برای به حداکثر رساندن بهره‌دهی سرمایه خود و حفظ و حراست و حتی توسعه سرمایه‌های خویش ناچاراً اقداماتی را متحمل می‌شود که در نهایت برفع جامع صنعتی کشور خواهد بود. در این حالت سرمایه‌گذار خارجی مجبور است عوامل انسانی خود را تعلیم داده و تجهیز کند، تکنولوژی لازم را برای ادامه حیات سرمایه بر محل استقرار آن منتقل سازد. سرمایه‌گذاری را به بازارهایی که در سطح جهانی در اختیار دارد متصل نماید و بالاخره قوت و فن و راه و رسم مدیریت بازار و سرمایه و تولید را به کارخانه و سرمایه‌خود منتقل سازد. خلصت‌هایی که در یک سیستم استقرار بهیچوجه جزء نگرانی‌ها و دل‌مشغولیهای وام‌دهنده نیست.

با اینکه تفاوت‌های متعدد سرمایه‌گذاری خارجی و شیوه‌های دیگر تأمین منابع مالی از بازارهای پول و سرمایه جهان بسیار حساس و جای بحث

روال عادی و منطقی اداری و اجتماعی و سیاسی در همه کشورهای پیشرفته و صنعتی است . تقریباً " همه کشورهای صنعتی جهان موضع دقیق خودشان را در رابطه با رفت و آمد اتباع بیگانه در رابطه با سرمایه‌گذاری بصورت رسمی و مدون و قانونی روشن کرده‌اند . حتی برای اقامت در کشورهای نظیر کانادا ، در رابطه با سرمایه تکلیف مشخص است و قانون تکلیف کرده است که اگر یک شخصیت حقیقی یا حقوقی بمنظور سرمایه‌گذاری به بیش از مبلغ معینی تحت شرایط مشخصی علاقمند باشد ، مقامات مسئول موظف و مکلفند طی روشهای کاملاً مشخص و تعیین شده‌ای ابتدا اجازه اقامت موقت برای متقاضی و اعضای فامیل او برقرار کنند و سپس طی مراحل آنرا به اقامت دائم و حتی اعطای تابعیت بدل نمایند . در این رابطه ایجاد هر نوع مانع و عذری قابل تعقیب از طریق مراجع قضائی بوده و هر خارجی می‌تواند احکام لازم الاجرائی را با طرح دعوی مستند بدست آورد . پس آیا اگر خارجی انتظار داشته باشد در قبال سرمایه‌گذاری در کشور مادر اسرع وقت و طی روشهای معلوم و مشخص و ضوابط از پیش اعلام شده‌ای ویزا بدست آورد ، این جزء امتیاز ویژه بحساب می‌آید ؟

اگر بانکها در اوایل اسفند هرسال حتی برای پرداخت حقوق ماهانه کارمندان در شعب خود مواجه با تنگناهای شدید می‌شوند و صاحب حساب برای دریافت حقوق ناچیز خود مجبور به چندین بار مراجعه به بانک و یا ایستادن در صفهای طولانی است و اگر افتتاح حساب ارزی و دریافت و پرداخت ارزی عملاً تابع هیچ ضابطه‌ای نیست و کلاً مسکوت است ، درحالیکه هر خارجی می‌تواند در هر بانک اروپائی حساب ارزی داشته باشد و حتی با تلفن Banking System به نقل و انتقال دارائی بپردازد . تقاضای استقرار یک سیستم بانکی و ارزی قابل قبول را باید بعنوان یک امتیاز تلقی کنیم ؟

اگر جان و مال و اموال معنوی هر خارجی در کشورهای اروپائی در حد قوانین اعلام شده مصون و محفوظ بوده و هیچ مقام و مأموری حق تصرف و تعرض به آنرا ندارد . درخواست استقرار چنین فضائی برای سرمایه‌های خارجی و صاحبان آنها دور از ذهن و غیرعقلانی است ؟ هنوز در کشور روال و رویه معلومی برای ثبت یک شرکت و محل های قانونی آن بر هیچکس روشن نیست و مأمورین یک اداره ثبت به استناد قانون اساسی و اصل (۸۱) آن و ممنوع بودن ایجاد شرکت خارجی از ثبت آن خودداری می‌کنند ولی در شهری دیگر همان شرکت را با همان شرایط ، به استناد نداشتن منع صریح در قانون ثبت شرکتها به ثبت می‌رساند و قطعاً مجری آن مورد بازخواست قرار نمی‌گیرد .

بنابراین ملاحظه می‌کنیم که بسیاری از پیش نیازها و شرایطی که خارجیان تقاضای استقرار آنرا دارند ، اصلاً در شمار امتیاز بحساب نمی‌آید . بلکه این در حقیقت تنظیم و تنسیق کارها و امور اداری کشور بگونه صحیح آن است . این ناپسامانیها که در عرف و معیارهای جهانی بهیچوجه موجه و قابل قبول و عملی نیست بعلت غیرقابل استیفاء بودن آن از طرف آحاد شهروندان کشور بر جود تولید و روالهای اداری ما تحمیل شده و بعلت کثرت تکرار طبیعی و منطقی تلقی می‌شود و درخواست اصلاح و خلاف آن دور از عقل و غیرمنطقی و بصورت امتیاز ویژه بحساب می‌آید .

در این زمینه هزاران شاهد و مثال کلاسیک وجود داشته که برای ادارت و غلط آن توجیحات کافی در گذشته می‌شد و بعنوان امری بدیهی تلقی می‌شد . اما بعلت استقرار یک شیوه مدیریت لایق تغییرات نهادی و بنیادی آنرا شاهد هستیم . مگر نه اینکه تا چند سال گذشته مراسم و روال اداری برای اخذ یک پاسپورت یا یک گواهینامه رانندگی سربه ماهها و سالها می‌زد . اما در شرایط حاضر از حد هفته هم تقلیل پیدا کرده و به روز رسیده و هنجارها و رویه‌های

گذشته کلاً منسوخ شده است . بنابراین بطور طبیعی در بسیاری از زمینه‌های اداری ما نظیر بانکداری ، ثبت شرکتها ، شهرداریها ، محیط زیست ، ادارات صنعتی روالهای سنگین ، پرهزینه ، خسته‌کننده ، سردرگم و غلط ویی حاصلی حاکم است که در مجموع محیط و جو را ایجاد می‌کند که برای سرمایه‌گذار خارجی غریبه عجیب و غیرقابل قبول و سلوک بنظر می‌رسد و متقابلاً درخواست اصلاح آن را مابعدان دادن امتیاز تلقی می‌کنیم .

از همه مهم‌تر طرز تلقی خودمان در رابطه با سرمایه‌گذار خارجی را باید کلاً عوض کنیم . قطعاً " باید قبول کنیم که عمل یک معامله متقابل بوده و از هر معاملاتی دوطرف وجود دارد . سرمایه‌گذار اگر با کار خیر و برای رضای خدا و در اصطلاح حقوقی کاری غیرانتفاعی و عام المنفعه نیست . پس نباید انتظار داشته باشیم که در این معامله سود طرف مقابل را به حداقل برسانیم و یا اینکه از طرق مختلف و بشیوه‌های مختلفی تبدیل به ضرر زیان کنیم و در عین حال انتظار داشته باشیم که سرمایه‌گذار با تعهد کامل و بروسی خداپسندانه هم حسن نیت‌ها و امکانات خود را خالصاً " مخلصاً " در اختیار ما قرار دهد .

بنابراین در این مرحله حتی پا را فراتر می‌گذاریم و بخود جرأت می‌دهیم که عنوان کنیم ، کشور میزبان اگر آزادی ورود و خروج سرمایه سرمایه‌گذار را تعهد و تضمین کند ، اگر کشور میزبان حاصل فعالیت‌های منطقی ، قانونی و اصولی سرمایه‌گذار در یک کشور را نظیر مالکیت محدود سرمایه‌گذار ، حقوق مکسبه و ارتفاقی سرمایه‌گذار نظیر حق اختراع و اکتشاف ، حق تألیف ، حق مرغوبیت ، حق سرقفلی حقوق ناشی از تغییر قیمت‌ها و نوسانات اقتصادی بازار و دمه‌ها حقوق شناخته شده در عرف و قوانین بازرگانی و تجاری را برای یک سرمایه‌گذار خارجی تضمین نماید امتیازی برای خارجی ایجاد نکرده است و تازه زمینه را برای جلب سرمایه خارجی

فراهم کرده است .

اگر سرمایه‌گذار خارجی در مقابل رویه‌های غلط و دستورالعمل‌های اداری گاه "غیرقانونی و غیرمنطقی مقامات که اغلب حقوق شخصیت‌های حقیقی و حقوقی را نادیده گرفته و ضایع می‌کند و یا در مقابل عطف بماسبق شدن بسیاری از قوانین که ایجاد دین یا تضییع حق می‌کند تقاضای مصونیت می‌کند باید گفت که این حق همه آحاد این کشور است و اگرما مردم را از برخورداری آن محروم کرده‌ایم باید کار از ریشه اصلاح شود ، حتی برای شهروند داخلی ، و این اصلا "امتیاز نیست و پیگیری و عمل به آن نه تنها زمینه را برای سرمایه‌گذاری خارجی و جلب آن مهیا و مشابه سایر کشورها می‌کند ، بلکه خود یک اصلاح نهادی و بنیادی روال اداری و اجتماعی کشور است و اصلا "اجرای آن واجب و لازم است .

مقابلاً " اگر کشور انتظار داشته باشد که کلیه دعاوی هر سرمایه‌گذاری طبق مقررات و قوانین جاری کشور انجام شود (با ذکر این نکته که در شرایط حاضر قوانین صنعتی برای رسیدگی به این اختلافات یا اصلا " موجود نیست و بیابشد غیراستاندارد و ناقص است) بعنوان یک امتیاز نمی‌تواند تلقی شود . چون موضوع کاپیتولاسیون در هیچ شرایطی معتبر و پذیرفته نیست . در همین روال قطعا " پیروی و قبول شرایط فرهنگی و اجتماعی حاکم و احترام به اصول آن چیزی نیست که مورد بحث یا معامله قرار گیرد . محیط زیست و شرایط منطقی و استاندارد زیست محیطی نیز یکی دیگر از موضوعات غیرقابل بحث و چشم‌پوشی در روابط جلب سرمایه‌های خارجی بحساب می‌آید .

ب- شرایطی که بعنوان امتیاز برای طرفین می‌تواند مطرح باشد

درحقیقت آنچه که در بازار سرمایه‌گذاری بین‌المللی مبنای تصمیم‌گیری و باب مذاکره برای جلب سرمایه‌های خارجی است همین بخش از مزایا و امتیازات است که طرفین سرمایه‌گذار و

میزبان سرمایه را به اندیشه و تنظیم بیلان سود و زیان و یا ارزشهای مثبت و منفی در یک روند سرمایه‌گذاری و اداری می‌کند . این امتیازات ممکن است شرایط و فضا یا محیط بالقوه باشد مانند دسترسی به کارگران و نیروی کار ارزان و ماهر ، امکانات زیربنایی فراوان و ارزان (شرایط بندری ، آب و هوای خوب ، زمینهای مناسب و ارزان ، آب ، برق و انرژی فراوان و ارزان ، راه‌های خوب و ارتباطات مستقر و بین‌المللی) و یا شرایطی است که دولتها در مقایسه با سرمایه‌گذار داخلی و یا حتی سایر کشورها برای جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی بصورت ویژه در اختیار سرمایه‌گذار خارجی قرار می‌دهند مانند تخفیف در ارزش مواد اولیه طبیعی مانند مواد معدنی ، مواد کشاورزی ، جنگل و مرتع ، حقوق انحصاری و یا ارزان اکتشاف و بهره‌برداری حقوق انحصاری تولید و فروش ، حقوق انحصاری توزیع و صادرات ، بخشودگیهای مالیاتی و پرداخت وامهای طولانی مدت و کم بهره ، واگذاری آب ، برق ، گاز و سوخت و انرژی با تخفیف‌های ویژه ، بخشودگی هزینه‌های تأمین اجتماعی ، بدیهی است که هر یک از اقلام مورد اشاره فوق در عرف و بازار بین‌المللی دارای قیمت و ارزش اقتصادی کوتاه مدت و یادارآمدتی است . مثلا " داشتن حقوق و امتیاز بازار واردات و یا صادرات انحصاری یا با رقبات محدود در بازاری نظیر چین با جمعیت انبوه فرامیلیاردری برای هر شرکت تولیدکننده جهانی واجد اهمیت و امتیاز بسیار استثنائی و ویژه است . بنحوی که ممکن است حاضر باشد برای بدست آوردن آن تقبل و واگذاری امتیازات بسیاری را بنماید .

در گذشته‌های قبل از انقلاب برای بسیاری از سرمایه‌گذاران تولیدی با مشارکت خارجیان تحت عنوان حمایت از تولیدات داخلی بازارهای انحصاری با بخشودگی‌های زیاد در مالیات بر واردات مواد اولیه و اجزاء نیمه‌ساخته و تجهیزات وارداتی پیش‌بینی شده بود و از طریق تعرفه‌های گمرکی عملا " انحصار در واردات و

توزیع در اختیار آنان قرار داشت . لذا این شرکت‌ها براحتمی قادر بودند فارغ از دغدغه رقابت تولیدکنندگان صاحب نام بین‌المللی هرنوع محصول ناقص و با کیفیت های نازل و حتی خارج از استانداردهای قابل قبول بین‌المللی را تحت عنوان تولیدات داخلی در بازارهای کشور بفروش رسانند . در چنین شرایطی نه تنها زمینه‌هایی برای ارتقاء کیفیت و کمیت و تکنولوژی وجود نداشت و بالطبع شرایط و امکان مناسبی نیز برای صادرات این بنگل‌ها موجود نبود . عملا " بازار کشور در بسیاری زمینه‌ها بازاری فروش ضایعات ، بنگل‌ها و طرح‌ها و تولیدات خارج از رده و شکست خورده و فروش نرفته کمبانیهای خارجی شده بود . سیری در نوع تولید و محصولات عرضه شد متوسط شرکت جنرال موتورز ایران عینا " سیر این روند سرمایه‌گذاری با رقبات محدود در بازارهای حمایت شده داخلی را بخوبی نشان می‌دهد . چنانچه محصولات نظیر شورتل ایران (اپل) آریا و شاهین و سایر مرکها عملا " مدل‌های منقضی شده ، از رده خارج شده و ته مانده انبارهای اروپا و آمریکای کمبانی سازنده بود که سالها پس از تولید و بفروش نرسیدن سرازیر بازارهای ایران گردید .

نکته اساسی و اصلی در جلب و جذب سرمایه‌های خارجی و درحقیقت تنظیم تراز درست و نادرست بودن برای هیأت‌های حاکمه همه کشورهای دنیا تهیه یک فهرست منطقی دقیق و صحیح از این دست امتیازات و مزایاست که در همه زمینه‌ها که مزیت نسبی وجود دارد باید تنظیم گردد و برای هر قلم از این امتیازات در طول برنامه و زمان و یا برای واحد تولید باید ارزش گذاری مناسب بعمل آید . در این رابطه است که شناخت بازارهای پول و سرمایه در دنیا و ارزش هر آیتم از این نوع امتیازات بدقت باید مورد ارزیابی و شناسایی قبلی و مستمر قرار گیرد و تحولات روند هر جز از این امتیازات بدقت مورد بررسی واقع شود تا منابع و مزیت‌های کشور ارزان فروخته نشود . معیارات دیگر دروازه حراج و تاراج یک کشور دقیقا " همین بخش از معامله است که

بازای واگذاری هربخش از آن لازم است امتیازی هم سنگ وشایسته و اقتصادی / فنی مطالبه شود . در حالیکه بسیار مشاهده می شود که عمد مبحث ها و گفتگوها و نشست و برخاست ها در مقولسه و زمینه های جلب و جذب و حمایت از سرمایه گذاری های خارجی را مباحث و خواست هائی تشکیل میدهد که جنبه سیاسی یا اجتماعی دارد و ماهیت اغلب آنها در اصلاح ساختارهای درهم ریخته داری است و معمولا " برای امتیازات اصلی و مزیت های اساسی نسبی موجود بعنوان عوامل با اولویت های درجه دوم برخورد می شود . قطعا " برای ارزیابی عوامل و مزیت هائی نظیر بازار مصرف برق ، آب ، انرژی ، منابع طبیعی از رده های مختلف در سطح ملی شاخص ها و رویه های علمی مدون و مشخصی وجود داشته باشد که از طریق بالاترین رده قانونگذاری تصویب شده و بعنوان وجه قانونی قراردادهای جلب سرمایه های خارجی مورد بهره برداری و استناد رسمی قرار گیرد . در مقابل با صراحت کامل واگذاری هرنوع امتیاز ویژه در قالب انحصارات طولانی مدت بازار ، تعرفه های ترجیحی و یا حمایتی غیرمعمول و مخرب و فساد برانگیز ، چشم پوشیها و یا اهمال در استانداردهای زیست محیطی ، بهره برداری از ثروتهای ملی محدود و غیرقابل تجدید ، تخریب منابع طبیعی و نظایر آن از طریق بالاترین نوع قانون یعنی قانون اساسی برای هر خارجی و حتی داخلی در هر فعالیت تولیدی و سرمایه گذاری و به هر دلیل اکیداً منع گردد . (هزچند که برخی از اقلام اخیر در قانون اساسی بصورت عام مطرح است .) خلاصه اینکه هر قلم از کالا یا خدماتی که بصورت ورودی در یک تولید صنعتی عمل می کند منشاء یا مولد یک هزینه در بازار بین المللی است که در مجموع تشکیل هزینه های تولید را مینماید . بنابراین اگر سرمایه گذار بین المللی قادر باشد که در مجموع هزینه های تولید خود را به حداقل برساند و یا از سطح هزینه های تولید رقبا خود تقلیل دهد دومزیت حیاتی در فعالیت اقتصادی خود ایجاد کرده است . اول جلب مشتری و

تثبیت بازارهای فروش و امکان دستیابی به بازارها و مشتری های جدیدتر و دوم سودآوری بیشتر در صورت امکان فروش با قیمت های بازار . انتخاب زمینه های فعالیت برای سرمایه گذاری های خارجی نیز یکی از مقولات بسیار حساس و حیاتی است که در تنظیم آن نیز باید دقت و توجه شود . بسیاری از کشورها فعالیت خارجیها و سرمایه گذاری های خارجی را در زمینه های خدمات زیربنائی و حساس مثل سدها ، آبیاری ، آب و برق شبکه های ، شبکه های اصلی راهسها و راه آهن و مواصلات هوائی و دریائی داخلی را با سهام اکثریت و یا سهام ویژه و امتیازات خاص ممنوع می کنند و اجازه نمی دهند مقررات حیاتی



وشاهرگهای اقتصادی کشور بصورت کلیدی و در مقام تصمیم گیری در دست اتباع بیگانه قرارگیرد . در پارهای از زمینه هائی که امکانات و ارزش افزوده سرمایه های داخلی کافی بوده و سرمایه گذاران داخلی قادرند در سطح و تکنولوژی مناسب به فعالیت بپردازند و یاد در صورت وجود برنامه های ملی حساب شده معمولا " محدودیت و ممنوعیت سرمایه گذاری خارجی بعنوان حق مسلم هر کشور تلقی می شود .

حق حاکمیت ملی بعنوان یک اصل ابطسالم ناپذیر و امتیاز غیرقابل معامله و واگذاری بغیر در هر سرمایه گذاری خارجی باید مورد توجه قرار گیرد . لذا تقریبا " اکثر کشورهای جهان غیرقابل

واگذاری بودن حقوق و امتیازات و سه سام سرمایه گذاریهای خارجی به دولتها و حاکمیت قوانین داخلی بر همه اختلافات و دعاوی را بعنوان یک اصل پایهای و زیربنائی به همه اعلام مینمایند و در کلیه قراردادها و مناسبات سرمایه گذاری مورد توجه قرار می دهند . در گذشته واگذاری بطور مثال در مورد کشور ژاپن بر اساس دستور عمل OECD در مورد آزادی سرمایه گذاری ، سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ژاپن عملا " از سال ۷۳ آزاد شد ، بعلاوه قانون مربوط به کنترل ارز در سال ۸۰ مورد تجدیدنظر قرار گرفت و ممنوعیت سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر طرف گردید ، البته تا آن زمان سرمایه گذاریها بر اساس تأیید قبلی دولت و با استفاده از سیستم درخواست انجام می شد . اما در حال حاضر مو سسات خارجی که مایل به سرمایه گذاری در ژاپن هستند می توانند دوهفته قبل از سرمایه گذاری درخواست مربوطه را مستقیما " به بانک ژاپن ارائه کنند . موارد استثناء :

الف - چهارگروه صنعت از این دستورالعمل مستثنی هستند ۱- کشاورزی ، جنگل و شیلات - ۲- معادن - ۳- نفت - ۴- محصولات و گالاهای کارخانه های مربوط به چرم و پوست .
ب - صنایعی که بنحوی با امنیت ملی و نظم عمومی ارتباط دارند مثل اسلحسازی ، تولید هواپیما ، تولید مواد منفجره ، ایجاد نیروگاههای اتمی ، توسعه و فعالیت در زمینه های فضائی و نظایر آنها .

در کره جنوبی نیز تاکنون در بیش از ۹۸/۵ درصد از تولید و ۶۸/۵ درصد از خدمات سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) آزاد اعلام شده است . طبق معیارهای اعلام شده توسط وزارت اقتصاد کرد فعالیت سرمایه گذاری مستقیم خارجی در هشت رشته تولیدی زیر که قبلا " محدود بود از ژوئیه ۱۹۹۲ آزاد اعلام گردید . از جمله فعالیت در خدمات بندری ، جنگل داری ، تجارت گرد مینه ، تجارت در مشروبات الکسی ، دلالی بازرگانی ، عمده فروشی بریکت ذغال . تجارت در امر مواد غذایی و کرایه دادن وسایل

حمل و نقل هوایی . از آغاز سال ۱۹۹۴ نیز عمده‌فروشی و بازرگانی در حشره‌کش‌ها و خدمات مخابرات نیز به این لیست اضافه می‌شود . بنابراین واضح است که مرزهای نامحدود برای فعالیت سرمایه‌های خارجی و اتباع بیگانه در هیچ کشوری پذیرفتنی نیست و لازم است بسته به شرایط زمانی و موقعیتی ، محدوده‌ها و مرزبندی‌های معینی با حدود و ضوابط خاصی برای فعالیت سرمایه‌های خارجی متناسب با هر کشور طراحی و اعلام گردد . در مورد کره مثال مختصر فوق نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران دولت کره با چه ظرافت و دقتی محدوده فعالیت‌های سرمایه‌های خارجی را شناسایی ، طبقه‌بندی و مشخص کرده‌اند و به آن وجه قانونی و رسمی داده‌اند ، از جمله موارد بسیار مهم و مورد توجه هر سرمایه‌گذار بین‌المللی مسأله ثبات روبه بویژه قضائی و حقوقی و عدم امکان عطف به ماسبق شدن موارد محدودکننده و تضییع‌کننده حقوق مکنتیه و توافق شده است که از نقطه نظر حقوق بین‌المللی پایه و اساس هر رویه قانونی صحیح و قابل اعتماد است و در صورت مشاهده هرگونه تخلف از این اصل بنیادی پایه‌های اعتماد بین‌المللی کلاً فرومی‌پاشد .

فلسفه ایجاد مناطق آزاد و مقررات ویژه

در شرایط موجود بحث‌های بسیار زیادی در رابطه با فلسفه ، سودزبان و حتی بود و نبود مناطق آزاد صنعتی ، تولیدی ، تجاری و بازرگانی در مطبوعات کشور بچشم می‌خورد . با اینکه بحث کردن در مورد انواع و شرایط مختلف هر نوع از این مناطق در هدف و وظیفه این مقاله نیست ولی اشاره به این نکته ضروری است بسا توجه به اینکه انطباق شرایط اجتماعی / سیاسی و اقتصادی / فنی کل کشور با شرایط و روابط موجود و حاکم بر بازرگانی و تولید و توزیع در سطح جهانی تقریباً " غیرممکن است . بسیاری از

کشورها برای بهره‌گیری از منافع موجود بر امر گذر و استقرار سرمایه از مجاورت کشور و ایجاد زمینه برای انتقال سرمایه‌ها به داخل کشور و منافع بیشمار آن از جمله تکنولوژی و مهارت فنی و آموزش برحسب مورد و هدفهای برنامه‌ریزی شده مناطق آزاد کشور را با تسهیلات و قانونمندی‌های کاملاً " منطبق ایجاد کرده‌اند که تحت حاکمیت‌های تفویض شده مستقل زیر نظر دولت مرکزی اداره می‌شود که گاه از لحاظ حقوقی و قضائی نیز تابع رویه‌های خاص خود می‌باشد . در این رابطه حتی کشورهای بسیار پیشرفته صنعتی مانند ایالات متحده نیز مستثنی نیست و دائماً " برابعد و تنوع و تعداد این مناطق آزاد می‌افزاید . بدیهی است در شرایط نظیر کشور جمهوری اسلامی ایران که بعزت حاکمیت روح انقلاب بسیاری از تغییر و تبدیل‌های اجتماعی - اقتصادی - سیاسی غیرمحمول و ناممکن است و اصلاح ساختار اداری آن کاری نیست که در کوتاه مدت قابل انجام باشد و نیاز به اصلاح ساختار مدیریتی عمیقی دارد ، گسترش منظم و برنامه‌ریزی شده از فراهم نمودن تسهیلات بیشتر برای ایجاد و توسعه مناطق آزاد فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی گام مؤثر و باارزشی برای جلب و جذب هدایت سرمایه‌گذاری خارجی در کشور خواهد بود . بدیهی است که هدف داربودن و اتخاذ روشهای منطقی و صحیح و درعین حال عزم و قاطعیت ملی و صراحت و سرعت تضمین‌کننده موفقیت در این اقدام می‌تواند باشد .

شرایط حقوقی و قانونی جلب و جذب سرمایه‌های خارجی در جمهوری اسلامی ایران

همانگونه که مقدمتاً ذکر شد ، در شرایط بدعاز انقلاب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با صراحت کامل در " اصل هشتاد و یکم " دادن امتیاز تشکیل شرکتها و موسسات در امور

تجارتی و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان را مطلقاً " ممنوع اعلام کرده است . یعنی در صراحت قانون هرگونه فعالیت خدماتی و تولیدی توسط اتباع بیگانه در محدود کشور ممنوع شده است .

از آنجا که در سالهای اخیر امر مشارکت سرمایه‌ها و فعالیت‌ها و همکاریهای خارجی در کشور شدت احساس گردید و از طرفی این منع قانونی صریح و لازم الاتباع نیز در رأس همه فتاوی و دستورالعمل‌ها قرار داشت لذا تعبیر و تفسیر غیررسمی فراوانی بر این اصل صادر گردید و از جمله روشهای غیرمستقیم برای توجیه تعبیر و اقدامات مغایر آن انجام گرفت . ذیلاً " بخشی از این نوع تفسیر و اقدامات شرح داده می‌شود . - مراجع ویژه‌های صراحت قانون را کافسی می‌دانند و متن قانون را باندازه کافی روشن و صریح و قاطع برای ممنوعیت هر نوع تشکلی تأسیس با اتباع بیگانه برای هر فعالیت اقتصادی می‌شناسند و طبعاً " هرگونه اقدام و یا تفسیر خلاف آنرا خلاف و غیرمعتبر و غیر قانونی میدانند . از آنجا که مرجع رسمی تفسیرکننده قانون اساسی شورای نگهبان است . بنابراین مجوز هر نوع اقدام یا برداشت خلاف نص صریح قانون را ارائه تفسیر رسمی شورای نگهبان دانسته و با فقدان آن هر نوع برداشت ، تفسیر یا اقدامی را بی اعتبار قلمداد می‌کنند . بدیهی است بسیاری از مراجع حقوقی مورد مشورت سرمایه‌گذاران خارجی در عسرف بین‌المللی و قوانین بین‌المللی وجود چنین برداشتی را صحیح دانسته و ریسک سرمایه - گذاری خارجی در امور بازرگانی و اقتصادی ایران با وجود این اصل قانون اساسی و فقدان تفسیر قانونی برای آنرا بسیار بالا و محتمل می‌شناسند . چون کافست که در شرایط خاصی بهر دلیل شورای نگهبان نص صریح این اصل را در نفی سرمایه‌گذاری و مشارکت خارجی و ممنوعیت آن تنفیذ و اعلام نماید . در اینصورت پیگیری خلاف آن در هیچ مرجع بین‌المللی امکان‌پذیر نخواهد بود .

گروه دوم از مراجع و دست‌اندرکاران برایین عقیده‌اند که چون در عرف ایجاد مؤسسات و شرکتها اکثریت سهامداران قادر هستند که با رأی در سرنوشت و خط مشی هرمؤسسسه و شرکتی دخالت مستقیم داشته باشند. بنابراین واگذاری سهام تا ۴۹ درصد ناقص این اصل از مداخله اتباع بیگانه نخواهد بود. لذا شخصیت‌های حقیقی و حقوقی خارجی می‌توانند تا حد ۴۹ درصد در شرکتها و مؤسسات کشور سهم و شریک باشند. مبنای ضوابط مصوب هیأت رسیدگی به جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی در مورد پذیرش سرمایه‌گذارهای خارجی در بندیک تفسیر اخیر می‌باشد.

۱- پذیرش سرمایه‌گذاری و نسبت سهم شرکتها خارجی

مشارکت خارجی در پروژه‌های تولیدی و صنعتی از طریق تشکیل شرکت‌های مختلط سرمایه ایرانی امکان پذیر است. نسبت مشارکت خارجی در سرمایه شرکتها تا حد اکثر ۴۹ درصد. بانوجه به خصوصیات هر پروژه تعیین خواهد شد.

تفسیر گروه سوم برایین اصل از وجود کلمه امتیاز منشاء می‌شود، بدینصورت که در حقوق امتیاز بمعنای وجود یک خصلت و یا حق ویژه برای دارنده آن است که به نفع آن محروم یا محدود کردن سایرین و اشخاص ثالث از آن حق در مقابل حادث می‌گردد. چون دادن اجازه انجام فعالیت‌های بازرگانی و یا تولیدی بر حسب و طبق ضوابط جاری و حاکم کشور و تحت حاکمیت دولت نه حقی را محدود و یا زیاده می‌کند و نه دیگر اشخاص حقیقی و حقوقی را بموجب واگذاری آن به کسی ممنوع و محدود می‌سازد لذا نمی‌تواند مشمول این اصل واقع شود و بنابراین اصل فوق ناظر بر واگذاری انحصارات و حقوق ویژه و خاص به اتباع بیگانه بوده و منظور قانونگذار ثبت شرکت برای فعالیت‌های تولیدی و بازرگانی متعارف و معمول نیست. در غیر اینصورت قانونگذار

بجای انتخاب کلمه "امتیاز" کلمه مصطلح و رایج و معمول "اجازه" را اختیار می‌نمود. - پاره‌ای از مقامات اجرائی نص قانون را مشعر بر هر اقدام ناظر بر ایجاد می‌شناسند، بنابراین حکم می‌کنند که اگر یک شرکت ایرانی بخواهد سهام خود را به اتباع حقیقی یا حقوقی بیگانه بفروشد و یا واگذار کند مشمول اصل هشتم و یکم که ناظر بر "تشکیل شرکتها و مؤسسات" است نخواهد بود.

در هر صورت تا این تاریخ هیچگونه اقدام جدی برای رفع ابهام و تفسیر رسمی این اصل از قانون اساسی توسط شورای نگهبان بعمل نیامده است و در مصاحبه مقام ریاست جمهور (دوازدهم بهمن ۱۳۷۱) با خبرنگاران خارجی در جواب پرسش در مورد اصل ۸۱ قانون اساسی اظهار شد که گویا موضوع این اصل نداشتن حق واگذاری انحصارات خاص به اتباع بیگانه است و ربطی به حجم یا اصل سرمایه‌گذاری خارجی ندارد و حتی شک در محدودیت سهام خارجی به ۴۹ درصد نیز محتاج به تفسیر است و احتمالاً "مورد نظر قانونگذار نبوده است".

گذشته از اصل هشتم و یکم قانون اساسی که بعد از انقلاب مرجع قانونی کشور است قانون تازه و جدیدی در رابطه با سرمایه‌گذاری خارجی و جلب و حمایت آن تنظیم و تصویب نشده است. در حال حاضر تنها قانونی که به استناد آن همه فعالیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی انجام می‌گیرد، قانون "جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی" مصوب آذرماه ۱۳۳۴ و آئین‌نامه اجرائی آنست که در مهرماه ۱۳۳۵ در کمیسیون بازرگانی مجلس مورد تصویب واقع شده است.

تغییرات بعدی قانون و آئین‌نامه آن تنها در مورد نحوه اجرا و سازمان اجرائی آن انجام گرفته و در اصول و ضوابط آن هیچگونه تغییری داده نشده است. اهم نکات ویژه این قانون و آئین‌نامه اجرائی آن بشرح زیر قابل تعریف است:

- سرمایه‌گذار خارجی بصورت اشخاص (حقیقی

و حقوقی غیر وابسته به دولت‌های خارجی) حق دارند با کسب مجوز در ایران سرمایه گذاری کنند.

- در قانون و آئین‌نامه اجرائی آن هیچگونه محدودیتی دال بر وجود مشارکت با اشخاص حقیقی یا حقوقی داخلی وجود ندارد. بموجب بندهای ماده ۳ آئین‌نامه اجرائی سرمایه‌گذار خارجی بتنها می‌تواند تا حد درصد سهام سرمایه‌گذاری را در اختیار داشته باشد.

- در این قانون و آئین‌نامه مربوطه آورده‌های نقدی، تجهیزاتی، جنسی و حقوق اختراع می‌تواند جزء سرمایه محسوب شود. مشروط بر اینکه جز آورده نقدی بقیه از طریق ارزیابی‌های رسمی بین‌المللی ارزیابی شده و مورد قبول هیأت رسیدگی قرار گیرد.

- انتقال اصل سرمایه و سود ترازنامه‌ای آن با اخذ مجوز به غیر یا خارج مجاز است.

- اخذ مجوز سرمایه‌گذاری خارجی تنها از طریق پیشنهاد رئیس هیأت رسیدگی و تصویب هیأت دولت مقدور است و سرمایه و سود آن در حد مصوب از طرف دولت تضمین می‌شود.

اشکالات قانونی و اجرائی در قانون جلب و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی و آئین‌نامه مربوطه و کل جریان سرمایه‌گذاری خارجی

در این مرحله از بررسی لازم است یادآوری کنیم که در رابطه با سرمایه‌گذاری خارجی معمولاً همه مسائل و روابط بین سرمایه‌گذار خارجی و یک کشور در قالب یک قانون واحد و یکپارچه متبلور و مندرج نیست و در نتیجه مجموعه‌ای از قوانین، مقررات و رویه‌های اداری بصورت شبکه‌ای زمینه‌ساز تبلور فضای حیاتی و مناسب برای حرکت و نقل و انتقال و جذب و جلب سرمایه‌های خارجی می‌باشد. اهم صراحت‌های قانونی و حکم‌های مشخص در باب سرمایه‌گذاری‌های

خارجی در متون قوانین و مقررات زیر وارد شده است .

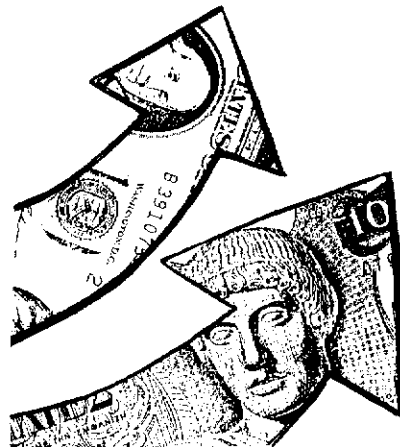
۱- قانون اساسی و مفاهیم و اصول آن در رابطه با حدود و ثغور کلی جریان فعالیت های اتباع بیگانه در یک کشور بویژه در زمینه فعالیت های تولیدی و اقتصادی بعنوان قانون مرجع .

۲- قانون اختصاصی در رابطه با نحوه و حدود امکانات سرمایه گذاری ها و فعالیت های اقتصادی اتباع بیگانه در یک کشور ، مراجع تصمیم گیری و روشهای قانونی جریان حرکت پول و سرمایه خارجی در یک کشور .

۳- قوانین مربوط به روادید رفت و آمد و اقامت صاحبان سرمایه ، وابستگان آنها ، کارگزاران و کارشناسان صاحبان سرمایه بواسطه سرمایه گذاری خارجی در یک کشور .

۴- قوانین ثبتی در مورد مالکیت و حدود آن بر اموال منقول و غیر منقول در محدود سرزمینی یک کشور توسط اتباع بیگانه (شرایط عام و اختصاصی) همچنین قانون ثبت شرکت و فعالیت های اقتصادی و تولیدی توسط سرمایه گذاران خارجی

۵- قوانین پولی و بانکی و مالی کشور در رابطه با شرایط و نحوه افتتاح حساب ها و اعتبارات اسنادی ، نقل و انتقال و قبض و انقباض پول و سرمایه و امکان ایجاد زمینه های ایجاد وثیقه سرمایه و وثیقه از عین سرمایه و



تبدیل های آن برای اخذ و اسهال خارجی بصورت مستقیم یا اتکالی . همچنین سرایت امر پرداخت بهره سپرده ارزی از شعبات داخلی یا خارجی و روشها و قانونمندی های مربوطه . در رابطه با سرمایه ها سرمایه گذار خارجی .

۶- ترتیبات خاص و قوانین مشخص کارگسری و کارفرمائی برای اتباع بیگانه و استخدام بیگانگان و نحوه عمل قانونی در مورد مستخدمین خارجی بویژه در رابطه با استخدام ، اقامت ، نقل و انتقال مایحتاج و وسائل زندگی آنها بویژه در رابطه با اجازه های ورود و هزینه های گمرکی و بالاخره تبدیل حقوق به ارز و نقل و انتقال آنها .

۷- رویه های مشخص مالیاتی در رابطه با درآمدها ، سرمایه و نقل و انتقال آن و همچنین واردات و صادراتی که توسط سرمایه گذاران خارجی انجام می پذیرد .

۸- مقررات گمرکی مشخص ، صریح و واضح در رابطه با نقل و انتقالات کالا و مواد اولیه و ابزار کاری که در قالب عملیات سرمایه گذاری خارجی حاصل می شود . از جمله در کارهای ترانزیت و بای بک که کالا و یا ماشین و مواد برای یک دوره تولید وارد خط تولید می شود و سپس بصورت صادرات مجدداً کشور خارج می گردد .

۹- قوانین حمایتی مانند انحصار تولید ، انحصار واردات ، انحصار صادرات ، انحصار مربوط به استفاده از منابع خاص بخشودگی های مالیاتی ، بخشودگی های حقوق و عوارض گمرکی ، بخشودگی های هزینه های تأمین اجتماعی ، سوبسید سرمایه گذاری های محیط زیستی ، بخشودگی یا سوبسید برخی از وامها ، بخشودگی یا تخفیف هزینه های مربوط به آب ، برق ، سوخت و انرژی های دیگر در رابطه با یک ، دسته یا گروهی از سرمایه گذارهای ویژه .

همانگونه که متذکر شدیم چنین قوانین

و روشنگری هائی اگر همراه با ثبات رویه قانون - گذاری باشد . تکالیف مشخصی را برای ارگانها و مراجع مختلف متصدی حاکمیت دولت مقرر میدارد که لازمفاش روشن بودن ترم های حقوقی و مکلف بودن مجریان امر به انجام بوقوع و سر وقت کارها در تسهیل امر سرمایه گذاری های خارجی خواهد بود . لازم به تأکید است که در بسیاری از موارد سکوت بودن امر در متون قانونی خود معضل بزرگی است ، زیرا مرجع تصمیم گیر بدلائیل شخصی قادر است کساری را بعلت فقدان منع قانونی انجام دهد و همان مقوله و مسأله را بعلت موجود نبودن مجوز قانونی غیر قابل اجرا بداند . بنابراین در بسیاری موارد تناقض آراء ناشی از حسن یا سوء نیست ، بلکه بلا تکلیف بودن وجه قانونی قضیه منجر به سردرگمی و آراء ضد و نقیض شده است . حال در بررسی احوالات و شرایط مندرج در قانون جلب و حمایت سرمایه های خارجی و مجموعه قوانین حاکم بر روند مذکور نقاط ضعف های خلاصه شده زیر را می بینیم :

۱- بموجب بند د از ماده ۱۳ آئین نامه اجرائی قانون ، حدود پوشش قانون ، سرمایه وارد و ثبت شده همراه سود بویژه حاصل از عملیات و مندرج در ترازنامه است و بر ارزش افزوده ناشی از زمان و فعالیت ها و عمران سرمایه از جمله سرقفلی و حقوق ارتفاقی شامل نمی شود .

۲- در شرایطی که نقل و انتقال سرمایه در بازار بین المللی مرز نمی شناسند و در ارتباطات ماهواره ای و از طریق کارگزاران بورس و بیمه انجام می پذیرد طبق بند " و " از ماده ۱۳ حق واگذاری سهام شرکت های خارجی مشروط است به موافقت هیأت رسیدگی . این شرط مغایر با انعطاف پذیری موجود سرمایه های بین المللی در رابطه با سهامداران است .

۳- اینکه حدود و اختیارات و وظایف هیأت رسیدگی بموجب ماده ۴ آئین نامه اجرائی این قانون محدود است . هیأت ضوابط و روشهای اعلام نشده و ویژه ای را در هر مورد تقاضا اعمال می کند که غیر قابل پیش بینی بوده و

مستدل و طبقه‌بندی شده از فعالیت‌های مجاز، مشروط و بی شرط در امر سرمایه‌گذاری خواهد بود. بنابراین ضوابط درحد و حدود نیازهای تشخیص داده شده و متناسب با آن تنظیم و بصورت قانونی تنظیم خواهد گردید.

اولین قدم در امر اصلاح ساختار جلب و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی در اصلاح ماده ۸۱ قانون اساسی و یا ارائه تفسیر متناسب با خواست و موضوع باید باشد.

قدم دوم اصلاح قانون جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی متناسب با شرایط موجود بازارهای جهانی است بنحوی که جوانب قانونی مرتبط در آن و آئین‌نامه‌های اجرایی مربوطه لحاظ شده باشد.

قدم سوم اصلاح قوانین ثبتی، بانکی و پولی و مالی در رابطه با سرمایه‌گذاری خارجی است. قدم بعدی اصلاح و تدوین قوانین مشخص روایت و اقامت و حتی اعطای تابعیت به آبرندگان سرمایه و سرمایه‌گذاری خارجی در کشور و عوامل و کارگزاران و متخصصین مربوطه و استخدام اتباع بیگانه است. حتی توسط سرمایه‌گذاران داخلی.

بالاخره اصلاح قوانین گمرکی، مالیاتی و مالکیتی و نقل و انتقال سرمایه‌های خارجی در رابطه با سهامداری و خرید و فروش سهام و سرمایه‌گذاری و صادرات و واردات اتباع بیگانه و سرمایه‌گذاران خارجی است.

در نهایت اصلاح ساختار هیأت رسیدگی و نحوه و معیارهای رسیدگی به سرمایه‌گذاری خارجی است که طبعاً لازم است واضح‌تر و مدون‌تر و بصورتی قانونی‌تر و کوتاه‌تر، حتی تا حد رفع ریشه‌های اداری و تمرکز در سیاست‌گذاری و تدوین حدود و ثغور فعالیت‌ها و رشته‌ها و سطح تکنولوژی و امثالهم و آسانتر کردن شیوه اخذ مجوز و ارزیابی سرمایه از طریق روشهای سهل کارشناسی و مبتنی بر معیارهای قانونی با ثبات و اعلام شده.



تنها مضر نیست بلکه در صورت قائل بودن به توان اعمال حاکمیت ملی و کنترل فعل و انفعالات سرمایه‌در درون مرزهای کشور می‌تواند منشاء بسیاری از فواید اقتصادی / اجتماعی / فنی باشد و علاوه بر ایجاد اشتغال راهی بسوی جلب و جذب و همگامی با روند تکامل تکنولوژی در سطح بین‌المللی امکانات بالقومای در رامنحصیل درآمدهای جدید ارزی و راهیابی به بازارهای بین‌المللی را فراهم نماید مشروط به اینکه در تنظیم سیاست‌های مرتبط با جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی بدانیم که خواسته‌های منطقی و متعادل کشور چیست و در چزمینه‌هایی باید دنبال مشارکت خارجی باشیم. لذا قدم گذاشتن در این راه مستلزم داشتن یک طرح

در رابطه با اجازه اقامت و رفت و آمد صاحب سرمایه و خانواده و یانمایندگان و کارگزاران آنها قانون مسکوت است و روش‌های اجرایی مدون و خاصی را تضمین نمی‌کند.

در رابطه با استخدام و اجازه کار متخصصان خارجی که یک جزء اصلی از چهار اصل و جزء انتقال تکنولوژی به کشور است رویسه و روش مدون و مشخصی موجود نیست و بویژه بخش خصوصی و سرمایه‌گذار خارجی همیشه در اینمورد مواجه با اشکال و بخشنامه‌های داخلی ضد و نقیض است.

دولت هیچگونه ضابطه و راهنما برای ارزیابی و جانمایی عوامل سرمایه مثل نیروی کار، قوانین کار، مالیات‌ها، زمین، منابع و انرژی و سایر تسهیلات و احتمالات در اختیار سرمایه‌گذار خارجی قرار نمی‌دهد.

قانون کار کشور صرفاً ناظر به سرمایه‌گذارهای داخلی است و در رابطه با سرمایه‌گذارهای خارجی تضمین‌کننده ثبات رویه و فرازهای خاص و ویژه‌ای نیست. در قانون جلب سرمایه‌های خارجی نیز این امر مسکوت است. در مورد نقل و انتقال حقوق و مزایای ناشی از کار، فعالیت و حتی سرمایه‌گذاری کارکنان خارجی سرمایه‌گذار بیگانه رویه‌ای که تضمین مشخصی را تأمین کند ارائه نمی‌نماید.

در مورد مسائل فنی و روشهای حسابداری و دفترنویسی در زمینه‌های ارزی در حالتی که سیاست‌های ارزی دچار ناپسامانی و نوسانات روزمره است رویه و فرمول مشخصی که مورد قبول مراجع پول و مالی، بانکی و مالیاتی باشد ارائه نشده و نقائص و مشکلات بیشماری در عمل بصورت حرفهای و تخصصی تظاهر می‌کند.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد

ماحصل کار کارشناسی و مباحث ارائه شده در این مقاله نشان می‌دهد که در مرحله اول جلب و جذب سرمایه‌های خارجی برای کشور نه